

یکشنبه 20 بهمن 1398 - 14 جمادی الثانی 1441 - 9 فوریه 2020

راهپیمایی عظیم مردم در تأیید دولت موقت به فرمان امام خمینی (1357 ش)



راهپیمایی عظیم مردم در تأیید دولت موقت به فرمان امام خمینی (1357 ش)، به دنبال آغاز به کار دولت موقت، امام خمینی از مردم خواست از طریق تظاهرات آرام، نظر خود را درباره دولت موقت اعلام نمایند. پس از این درخواست، جامعه روحانیت مبارز تهران، مردم را به یک راهپیمایی بزرگ و همگانی در روز 19 بهمن ماه دعوت نمود. در اعلامیه‌ی [ای که](#) به همین منظور صادر شد خاطر نشان گردید "پس از 75 سال، این نخستین بار است که ملت ایران، تشکیل دولتی را به راستی جشن می‌گیرند." در این حال و در شرایطی که آمریکا همچنان از بختیار پشتیبانی می‌کرد و زمینه‌های کودتا را در ایران فراهم می‌نمود و مردم توسط بازمانده‌های رژیم به آتش و سوزی و قتل تهدید می‌شدند، این راهپیمایی خط بطلانی بر تمامی پندارهای سلطنت و طلبان کشید و خواب‌های پریشان آنان را بی‌تعبیر گذاشت. در این زمان امام خمینی ادامه نهضت را به عنوان یک تکلیف الهی اعلام نمود و راهپیمایی میلیونی مردم به عنوان پشتیبانی از دولت موقت منصوب شده از طرف رهبر انقلاب اسلامی ایران، تهران و شهرستان‌ها را غرق در تظاهرات نمود. در پایان این راهپیمایی عظیم، قطعنامه هفت ماده‌ای قرائت شد و نخست وزیري بازرگان مورد تأیید قرار گرفت. شهادت آیت الله سید مصطفی خمینی پدر بزرگوار امام خمینی (ره) در حدود سال 1238 ش (1277 ق) در خمین به دنیا آمد. ایشان پس از پشت سر گذاشتن دروس مقدماتی، برای تحصیل مدارج عالی راهی نجف اشرف گردید و پس از اخذ اجتهاد، در خمین اقامت گزید. این عالم ربانی در دوران اقامت در خمین در قطعه زمینی متعلق به خود کشاورزی می‌نمود و در عین حال به هدایت و ارشاد مردم اشتغال داشت و ملجأ و پناهگاه آنان بود. از این رو در مقابل زورگویی خوانین دست نشانده حکومت وقت، به مقاومت بر می‌خاست. سرانجام، طاغوتیان ندای حق و طلبی او را با گلوله پاسخ دادند و در مسیر خمین به اراک وی را در 42 سالگی به شهادت رساندند. به هنگام شهادت ایشان، بیش از پنج ماه از تولد حضرت امام نگذشته بود و از آن پس تحت تکفل مادر و عمه خویش قرار گرفتند. واگذار شد. خرم‌آباد و بروجرد شد. این امتیاز سه روز پس از امتیاز مشابهی بود که از جانب دولت ایران، به روسیه

واگذار گردیده بود. حمله گارد شاهنشاهی، به همافران نه‌ی هه‌ای در بی بیعت همافران با حضرت امام (1357 ش)، در پی اعلام همبستگی گروهی از همافران و پرسنل نیروی هوایی با انقلاب اسلامی ایران و بیعت با حضرت امام، مزدوران گارد شاهنشاهی در شامگاه 20 بهمن به یکی از پادگان‌های نیروی هوایی در تهران حمله و ر شدند. به محض انتشار این خبر، مردم مسلمان از همه نقاط تهران برای یاری رساندن به پرسنل نیروی هوایی که در حال مقاومت بودند، به طرف پادگان نیروی هوایی شتافتند. مردم انقلابی که سلاح‌های ابتدایی و ناچیزی در اختیار داشتند با رشادت‌های خود، حمله مزدوران رژیم شاه را با شکست مواجه کردند و به این ترتیب، مرحله نهایی مبارزه مردم برای براندازی رژیم شاهنشاهی در ایران آغاز شد.

آغاز عملیات بزرگ والفجر 8 در فاه (1364 ش)، عملیات بزرگ والفجر 8 با رمز یا زهرا (س) در جبهه جنوب در منطقه فاو و در وسعت 800 کیلومتر مربع از بیستم بهمن ماه 1364 آغاز شد. در این عملیات هزاران تن از نیروهای ایرانی از رودخانه خروشان اروندرود گذشتند و در اولین روز عملیات، شهر مهم فاو را در جنوب شرقی عراق فتح کردند. این عملیات به قدری غیرمنتظره و از لحاظ نظامی پیچیده و موفقیت‌آمیز بود که باعث اعجاب کارشناسان نظامی و سیاسی جهان و غافلگیری رژیم عراق شد. این عملیات با هدف فشار بر رژیم صدام برای پایان دادن به اشغال خاک ایران و تن دادن به جبران خسارت‌های وارد شده بر ایران انجام شد و برتری نظامی ایران بر عراق را در دفع تجاوز نظامی این کشور ثابت کرد. نتایج این عملیات عبارتند از: تلفات نیروی انسانی دشمن 3000 نفر اسیر، قریب به 50/000 نفر کشته و زخمی؛ سایر نتایج: آزادسازی حدود 800 کیلومتر مربع و تصرف شهر و تأسیسات نفتی فاو و کارخانه نمک؛ تجهیزات و امکانات: تانک و نفربر: 600 دستگاه انهدامی، 120 دستگاه اغتنامی، هواپیما: 45 فروند انهدامی، هلیکوپتر: 10 فروند انهدامی، خودرو: 500 دستگاه انهدامی، 250 دستگاه اغتنامی، توپ: 150 قبضه انهدامی، 20 قبضه اغتنامی و دستگاه مهندسی: 34 دستگاه اغتنامی. نبرد سرنوشت ساز فاو، به عنوان برجسته‌ترین و پیچیده‌ترین عملیات جنگی جمهوری اسلامی ایران، سرانجام پس از هفتاد و پنج شبانه روز درگیری، که در طول جنگ بی‌سابقه بود، با پیروزی کامل رزمندگان اسلام پایان یافت. از نظر سیاسی، تبعات ناشی از فتح فاو به منزله تغییر در ماهیت سیاسی جنگ بود، به این معنا که اتخاذ استراتژی دفاع متحرک از سوی عراق، پس از فتح خرمشهر، با این هدف بود که جنگ در روند فرسایشی، سرانجام منتهی به پذیرش

رحلت "امام محمد غزالی، طوسی، فیلسف و دانشمند شیعی، مسلمان د. طه، (505 ق)، ابو حامد محمد غزالی در سال 450 قمری در روستای "طابران" طوس دیده به جهان گشود. وی پس از تحصیل مقدمات، برای تکمیل تحصیلات و بهره‌وری از محضر استادان دیگر رهسپار جرجان (گرگان) شد. در بیست و سه سالگی از طوس به نیشابور عزیمت و از محضر استادش امام الحرمین جوینی کسب فیض نمود. در سی و چهار سالگی چنان اوج گرفت که بر کرسی تدریس نظامیه بغداد، بزرگ‌ترین دانشگاه دورانش تکیه زد. در مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد، سیصد تن از افاضل وقت از درس او استفاده می‌کردند. و در اندک زمانی، علاوه بر آن مقام علمی بزرگ، در امور سیاسی نیز، نفوذ فوق‌العاده‌ی وی کسب نمود. غزالی پس از آگاهی از آرای فرقه‌ی رهایی‌گرایان، برای خود، طریقه‌ی صوفیه را برگزید. به تمام علایق دنیوی پشت پا زد و رهسپار دیار عشق و حقیقت و انزوا شد. امام محمد غزالی در سال 488 قمری به سبب بحران روحی و فکری شدید، تدریس را رها کرد و بغداد را به قصد حج ترک نمود. از آن پس عزلت را بر آن همه عزت ظاهری ترجیح داد و قدم به دایره‌ی زهد و انقطاع از دنیا و تصوف گذاشت. وی پس از بازگشت از حج در بیت‌المقدس مسکن گزید و در همین ایام کتاب "احیاء العلوم و الدین" را به رشته تحریر در آورد. از کتاب‌های دیگر ایشان می‌توان کیمیای سعادت، نصیحه الملوک، معیار العلم و یاقوت التاویل فی تفسیر التنزیل در 40 جلد را نام برد. هرچند تعداد تالیفات غزالی بیش از 60 عنوان می‌باشد. سرانجام این

عارف و حکیم بزرگ در 55 سالگی در زادگاهش وفات یافت و در همان‌جا مدفون گشت. رحلت فقه‌پن، گمار، مد، "حسب الله، شتم،" مرجع، ک و عالم عالم، قد، شیعه (1312 ق)، میرزا حبیب‌الله، رشتی فرزند میرزا محمدعلی خان در سال 1234 قمری در یکی از روستاهای گیلان در شمال ایران به دنیا آمد. وی مقدمات علوم را در زادگاه خود نزد اساتید خصوصی فراگرفت. در 18 سالگی برای تکمیل معلومات خود به قزوین عزیمت کرد و در 25 سالگی اجازه اجتهاد گرفت و سپس رهسپار نجف اشرف گردید و از محضر صاحب جواهر و شیخ انصاری بهره‌وری فراوان گرفت. پس از درگذشت شیخ انصاری، بهترین درس حوزه علمیه، درس ایشان بود و بنا به گفته شیخ آقابزرگ تهرانی، او در نهایت ورع و تقوا بود و بعد از سیدحسین کوه‌کمره‌ای تدریس و بحث در نجف به او منتهی گشت. آثارش عبارتند از: بدایع الاصول، الاجاره، مساله‌ی غصب، الامامه، تقلید أعلم، بدایع الافکار در اصول فقه و... میرزای رشتی سرانجام در 22 آذر 1273 ش در 78 سالگی در نجف اشرف رحلت کرد و در آن شهر به خاک سپرده شد.

رحلت عالم، ربانی، آیت الله، "مذا: احمد آشتیانی" (1395 ق)، آیت‌الله میرزا احمد آشتیانی در سال 1300 ق در تهران به دنیا آمد و در اوان عمر به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. در 40 سالگی به نجف اشرف رفت و پس از ده سال به تهران بازگشت و به ارشاد و راهنمایی مردم همت ورزید. حاصل جد و جهد میرزا احمد آشتیانی در کسب علم، تبحر در رشته‌ی علمی بسیاری از قبیل فقه، ادبیات، هیئت، ریاضیات، طب، فلسفه و اصول بود که تالیفاتی نیز در این زمینه‌ها نگاشت. تأکید وی بر دعا و خضوع و خشوع در آن، نشانگر روح لطیف و الهی اوست. نقش میرزا احمد آشتیانی در مقابله با اشاعه‌ی فرهنگ غربی و لائیک در اوج قدرت رضاخان، قابل توجه است. سرانجام این عالم ربانی در 95 سالگی بدروم حیات گفت و در صحن حرم حضرت شاه عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

درگذشت "توده، داستایوسکی" داستان‌سرای روسی (1881م)، تودور میخائیلویچ داستایوسکی نویسنده بلندآوازه روسی در 11 نوامبر سال 1821م در مسکو به دنیا آمد. وی در سال 1843م دوره تحصیلات مهندسی خود را به پایان رساند و پس از کمی خدمت در این زمینه، وارد عرصه ادبیات گردید. داستایوسکی نخستین داستان‌ش را مردم فقیر نام گذاشت که با استقبال پر شور مواجه گردید. پس از آن به نوشتن داستان‌هایی از قبیل زن صاحبخانه و شب‌های سپید پرداخت و مردم به همان سرعت که به اثر اول او روی آورده بودند، از این نوشته‌ها ابراز تفر کردند. داستایوسکی از این موضوع دلسرد شد و به جمعیت آزادی‌خواهان که در آن هنگام فعالیت‌های داشتند پیوست. در سال 1849م او را به جرم قیام بر ضد سلطنت و مخالفت با کلیسا دستگیر و محکوم به اعدام کردند. اما در آن لحظه که می‌خواستند حکم اعدام او را اجرا کنند قاصدی از طرف تزار خبر آورد که محکومیت او به چهار سال زندان و تبعید به سیبری تغییر یافته است. بدین ترتیب داستایوسکی به طرزی معجزه‌آمیز از مرگ نجات یافت. وی دوران سختی را در سیبری گذراند که در جسم و روح او اثری فراوان به جای نهاد. وقتی که داستایوسکی از تبعید بازگشت، حیات ادبی خود را با شیوه رئالیستی و واقع‌گرایی آغاز کرد. وی در طول زندگی خود دچار رنج زندان، بیماری و تهی‌دستی شد و به همین دلیل، شفقت سرشاری که در آثارش نسبت به نوع بشر دیده می‌شود تا حدی ناشی از همین رنج‌هاست. آثار داستایوسکی از لحاظ مهارت وی در تحلیل روانی قهرمانان، همدردی با بیچارگان و شکست‌خورده‌گان و نیز توصیف‌های نافذ زندگی قرن نوزدهم میلادی، در روسیه ممتاز است. بسیاری از داستان‌های وی، انعکاسی از تجارب شخصی اوست. هم‌چنین در آثار بزرگ داستایوسکی، موضوع اصلی، مسئله آزادی انسان و توجیه خدا و نظم جهانی است. داستایوسکی در داستان‌های خود کوشش می‌کرد پرده از رازهای روح انسان بردارد و تضادهای باطنی روح را کشف نماید. از ویژگی‌های آثار او، ایمان و اعتقاد به دوگانگی احتراز ناپذیر و غیرقابل استیلا درون انسان است. او معتقد بود در درون انسان، نیک و بد و خیر و شر، همواره مبارزه می‌کنند. در تمام آثار داستایوسکی، یک نفر که آرزو کند زندگانی آرامی را داشته باشد وجود ندارد. گویی مریض‌خانه‌ای به همراه معلولین عصبی و اماکن کثیف و متعفن و بی‌غوله‌های تنگ و تاریک را توصیف می‌کند. عوالم او پر از اشباح تاریک و سراپا آینه دق است. اما قدرت فکری تخیل او، انسان را سخت مسخر می‌کند. داستایوسکی

نابغه؛اي عظيم و معجوني است از قدرت و ضعف، عصيان و اطاعت، نظم و آشفتگي و فضيلت و تبهكاري و... . او خالق آثار عميقي است كه در همه آنها تمايل شديد به رقت و ترحم ويك ديد رواني قوي به چشم مي‌خورد. نفوذ داستاويوسكي در نويسندگان و فلاسفه بعدي چنان حيرت‌انگيز است كه برخي از فلاسفه بزرگ اذعان مي‌كنند كه روان‌شناسي را از داستاويوسكي آموخته‌اند. غالب نوشته‌هاي وي پيچيده و به زبان دشوار روسي كه خاص جامعه ممتاز روسيه قديم و مشحون از اصطلاحات و جمله‌هاي فرانسوي كه در زبان روسي نفوذ يافته بود، نوشته شده است، ولي بعضي از آثار او نيز با زباني فصيح و مردم پسند تحرير گرديده و تا حدي ساده است. داستاويوسكي زندگي مردم روسيه را آن چنان كه بود، توصيف كرده است. برخي از آثار او عبارتند از: دل نازك، جنايت و مكافات، خانه اموات، جن زدگان، ابله و برادران كارامازوف. تئودور داستاويوسكي سرانجام در 9 فوريه سال 1881م در شصت سالگي درگذشت.

صلح از سوي ايران شود. اما فتح فاو و ارتقاي موقعيت سياسي و نظامي ايران در شمال خليج فارس عملاً منجر به پيدايش شرايط جديدي شد كه هيچ گونه مطابقتي با مشخصه‌هاي جنگ فرسايشي نداشت.